



گروه آموزشی باستان شناسی

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته باستان شناسی

عنوان:

تحلیل جامعه‌شناختی سبک شناسی نقوش سفال‌های دوره سیلک I تا IV در محوطه سیلک

استاد راهنمای اول: دکتر جواد حسین زاده ساداتی

استاد راهنمای دوم: دکتر علیرضا سرداری زارچی

دانشجو: کیانا اشرافی

آذر ماه ۱۴۰۱

واژه های کلیدی:

جامعه‌شناسی، سبک‌شناسی، نقوش سفال، باستان‌شناسی، محوطه سیلک

چکیده:

در تمامی ادوار تاریخی تا به امروز دست‌ساخته‌هایی که توسط انسان تولید شده همه برای هدفی خاص بوده است. از دست‌ساخته‌هایی که می‌توان شواهدی را در آن‌ها دید می‌توان به سفال، گل نوشته، مهرها و... اشاره کرد. هنر شامل فعالیت‌های فرهنگی می‌باشد به همین دلیل می‌تواند الگوهای مشترکی همچون باورها و اعتقادات را انتقال دهد. یکی از مباحث در باستان‌شناسی در رابطه با سبک می‌باشد. در اینجا ما سبک در سفال را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. از دیرباز نظریات بسیار زیادی در رابطه با سبک گفته شده که مهم‌ترین آن تبادل اطلاعات است. سبک‌های تزئینی در سفال و تحلیل آن‌ها بر پایه استنباط‌های مردم‌شناسی و باستان‌شناسی در رابطه با تعاملات اجتماعی و اقتصادی است. سبک مجموعه‌ای از الگوها می‌باشد که اشکالی را از طریقی به مردمی با ویژگی‌های مشترک تاریخی و قومی منتقل می‌کند. اینکه تشابهات فرهنگی به چه میزان به روابط اجتماعی بستگی دارند را می‌توان این‌گونه توضیح داد که گروه‌های اجتماعی به چه روش‌هایی و به چه دلیلی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کردند. در منطقه مرکزی ایران که یکی از مهم‌ترین آن‌ها محوطه سیلک می‌باشد، جوامع پیچیده‌ایی وجود داشته که با بررسی سبک میزان پیچیدگی آن‌ها را مورد مطالعه قرار دادیم. بر اساس برخی مطالعات می‌توان گفت این پیچیدگی در برخی از نمودهای مادی دیده می‌شود و در برخی از موارد نیز امکان دیده نشدن نمودها وجود داشت. پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا در سفال محوطه سیلک از دوره اول تا چهارم این پیچیدگی دیده می‌شود و به چه صورت از آن در سفال و نقوش خود استفاده کرده‌اند. داده‌های مورد بررسی، ظروف سفالی کامل محوطه سیلک از دوره I تا IV است. با استفاده از رابطه بین نقش و فرم به مطالعه توالی استقرار و پیچیده شدن جامعه پرداخته‌ایم. با استفاده از جداول و تفکیک نقش و فرم و آمارگیری آن‌ها که در فصل چهار آورده شده می‌توان گفت دوره اول میزان همبستگی بسیار پایین است اما در دوره دوم نسبت به دوره اول قبل همبستگی بالاتر و استاندارد شدن بیشتر دیده می‌شود. در دوره سوم میزان همبستگی بالا و نقوش استاندارد شده‌اند و در ادامه دوره چهارم میزان همبستگی پایین می‌آید. با اینکه در جامعه سیلک پیچیدگی اجتماعی دیده می‌شود اما در سفال آن چنین پیچیدگی که از سفال برای انتقال اطلاعات استفاده کرده باشند وجود ندارد. پیچیده شدن فن سفالگری به‌وضوح دیده می‌شود اما به نظر می‌رسد جامعه سیلک خیلی از نمادهای روی سفال برای بیان پیچیدگی استفاده نکرده است.